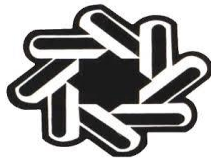




وزارت علوم تحقیقات و فناوری



دانشگاه علامه محدث نوری (ره)

دانشکده اقتصاد و علوم اداری

پایان نامه

دوره کارشناسی ارشد حقوق گرایش حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان:

بررسی اثرات ناشی از مسکرات در شروع و وقوع جرم با نگاهی به فقه امامیه

استاد راهنما:

دکتر سید مسیح حسینی

دانشجو:

رضا حمزه پور

شهریور ۱۳۹۹

تقدیم به

پروردگارا تو آرام بخش قلب و جان و بهترینی منی،

تقدیم به تو که هر وقت حس بودنت، یادت، نامت در قلبم افتاد کارها ساده شد.

تقدیم به مادر و پدر عزیزم و تشکر از همسر صبورم؛

که همواره دعای خیرشان برکت زندگیم

و زندگی بخش وجودم بوده و هست و خواهد بود...

سپاس گزاری

جناب آقای دکتر سید مسیح حسینی

بسی شایسته است به پاس تلاش‌ها و زحمات مستمر شما در راستای توسعه و پیشرفت همه جانبه ی این نوشتار نهایت سپاس و قدردانی خویش را خدمت حضرت عالی ابراز داریم .

سپاسگزار استادی چون شما در زندگی خود هستم که اندیشیدن را به من آموختید و بدین وسیله مراتب سپاس خود را از تلاش و زحمات ارزشمند و صادقانه و خالصانه جنابعالی در زمینه پیشبرد این نوشتار تقدیم می‌دارم و از درگاه ایزد منان دوام عزت و عافیت را مسئلت دارم.

چکیده

یکی از مسائلی اساسی که در فقه جزایی و حقوق کیفری مورد بحث قرار می‌گیرد بررسی اثرات ناشی از مسکرات در وقوع جرم می‌باشد. مصرف مشروبات الکلی در روند بروز بسیاری از جرایم نقش دارد. در قانون مجازات اسلامی مستی با احراز شرایطی از علل رافع مسئولیت کیفری است. در این قانون از مستی و مسلوب الارادگی تعریف دقیقی ارائه نشده و مفاهیم موثر در موضوع مجهول مانده است. با مراجعه به فقه نیز چیزی در این زمینه دیده نمی‌شود. این امر موجب ایجاد اختلاف میان فقها و حقوقدانان در زمینه تاثیر مستی، انواع آن و مسئولیت کیفری فرد مست گردیده است. اراده در حقوق جزا نقشی دو گانه دارد و هم در رکن مادی و هم در رکن معنوی جرم موجود است و به معنای توانایی خواستن و حرکت نفس به سوی انجام یا ترک یک کار و کنترل و هدایت اعضا در جهت آن است و مسلوب الارادگی به معنای عدم وجود چنین نیرویی در انسان است. در فقه در بحث شرب خمر به صورت مشخص از مسلوب الارادگی سخنی به میان نیست و تنها در قسمت قصاص نفس در تعریف عمد در قتل به قصد و اراده اشاره گردیده است، پس به نظر می‌رسد قانونگذار تحت تاثیر این بحث در مواد مرتبط با مستی از عبارات سلب اراده و قصد استفاده کرده است. هم چنین لفظ مسکر فقط ترکیبات الکلی را در بر می‌گیرد و شامل سایر مواد نمی‌شود و مستی خشک یک اصطلاح ساختگی و فاقد اصالت قانونی، فقهی و پزشکی است. مستی هر چند با ارتکاب بسیاری از جرایم مرتبط است، علت مستقیم بروز جرایم نیست و شخص را وادار به ارتکاب جرم نمی‌سازد بلکه صرفاً عاملی غیر مستقیم و زمینه ساز است که با جمع عوامل دیگر موجب بروز جرایم می‌شود. مرتکب قتل عمد نمی‌تواند با استناد به مستی و سلب قصد و اراده از قصاص رهایی یابد، زیرا بدون وجود قصد، امکان وقوع رکن مادی قتل عمد منتفی می‌گردد. در سایر جرایم نیز مستی فاعل جرم، او را به طور کامل از مجازات معاف نمی‌کند، زیرا اراده او پابرجاست و از او سلب نمی‌گردد و شرط مسلوب الارادگی احراز نمی‌شود.

واژگان کلیدی

مسکر، شروع به جرم، وقوع جرم، فقه امامیه

فهرست مطالب

۵	چکیده.....
۱	مقدمه.....
۲	۱- بیان مسأله.....
۳	۲- سوالات پژوهش.....
۳	۳- فرضیه های پژوهش.....
۳	۴- پیشینه پژوهش.....
۴	۵- اهداف پژوهش.....
۵	فصل اول : کلیات
۶	مبحث نخست: تبیین مفهوم مستی و انواع آن.....
۶	گفتار نخست: بررسی مفهوم مستی.....
۶	گفتار دوم : ضابطه پزشکی و حقوقی برای امکان سنجی مستی.....
۶	بند اول : ضابطه پزشکی.....
۷	بند دوم: ضابطه حقوقی.....
۸	گفتار سوم : گونه شناسی مستی.....
۱۱	گفتار چهارم: الحاق مواد سکرآور غیر از مشروبات الکلی به مستی.....
۱۱	بند اول: موافقان الحاق.....
۱۲	بند دوم: مخالفان الحاق.....
۱۳	گفتار پنجم: رابطه مسکرات (خمر) و مواد روان گردان و مخدر.....
۱۴	بند اول: وجوه اشتراک.....
۱۴	بند دوم: وجوه افتراق.....
۱۵	مبحث دوم: الکل، خمر و نوشابه های الکلی از نگاه علمی.....
۱۵	گفتار اول: الکل.....
۱۷	گفتار دوم: خمر.....

بند اول: مفهوم شناسی خمر	۱۷
بند دوم : ماهیت خمر	۱۸
مبحث سوم: سیر و تطور قانون گذاری	۱۸
گفتار اول: سیر قانون گذاری و جرم انگاری مستی	۱۸
گفتار دوم : سیر قانون گذاری در باب جرم انگاری جرایم ناقص	۲۰
فصل دوم : مستی و شرب مسکر در فقه امامیه	۲۴
مبحث نخست: شراب و مستی در آیات و روایات	۲۵
گفتار اول: شراب و خمر در قرآن	۲۵
گفتار دوم: شراب و خمر در سایر ادیان	۲۶
گفتار سوم : شراب و خمر در روایات	۲۸
مبحث دوم: مباحث کیفی شرب خمر	۳۳
گفتار اول: انواع شراب از دیدگاه فقها	۳۳
گفتار دوم: شروع به جرم در فقه	۳۴
بند اول: تجری در کلام فقها	۳۵
بند دوم: تجری در اصطلاح حقوقی	۳۷
گفتار سوم: ادله اثبات در جرم مصرف مسکر	۳۷
گفتار چهارم: ادعای اکراهی بودن شرب شراب	۳۹
گفتار پنجم: حکم اضطرار به آشامیدن خمر	۳۹
گفتار ششم: مجازات مصرف مسکر	۴۲
فصل سوم: مستی و شرب مسکر در قانون مجازات اسلامی	۴۴
مبحث اول: جرم مصرف مسکر	۴۶
گفتار اول : تحلیل مواد قانونی و مقایسه اجمالی با قانون سابق	۴۶
بند اول: شیوه نگارش صدر ماده ۳۰۷ و مبنای آن	۴۶
بند دوم: تفاوت ماده ۲۲۴ و ۳۰۷	۴۶

۴۸.....	بند سوم: تفسیر چنین عملی در ماده ۳۰۷
۴۹.....	بند چهارم: نظریه های مشورتی برای ابهام زدایی
۵۱.....	بند پنجم: یکسان سازی مواد قانونی در باب مستی
۵۲.....	بند ششم: گسترش دامنه در باب مواد سکرآور در مورد مستی
۵۳.....	بند هشتم: حالات مختلف مستی
۵۳.....	مبحث دوم: شروع به جرم شرب مسکر
۵۳.....	گفتار اول: شروع به جرم
۵۴.....	گفتار دوم: جرم عقیم، جرم محال و شروع به جرم
۵۸.....	گفتار سوم: جرم محال و عقیم و شروع به جرم در قانون مجازات سال ۹۲
۵۸.....	بند اول: تحلیل مواد قانونی
۶۰.....	بند دوم: نظریه ها و ضوابط تمیز عملیات مقدماتی از عملیات اجرایی
۶۲.....	بند سوم: رویه قضایی ایران درباره شروع به جرم
۶۳.....	مبحث سوم: تاثیرات مستی در وقوع و شروع جرم
۶۳.....	گفتار اول: نکات مواد ۳۰۷ و ۱۵۴
۶۵.....	گفتار دوم: تفاوت بین ماده ۳۰۷ و ۱۵۴
۶۷.....	گفتار سوم: ابهام در مورد واژگان علم و نوعا در مواد قانونی
۶۸.....	گفتار چهارم: شروع به جرم شرب مسکر
۶۹.....	نتیجه گیری
۷۲.....	پیشنهادها.....
۷۳.....	منابع و ماخذ
۷۷.....	Abstract

مقدمه

مسئله مصرف مسکرات و شرابخواری یکی از آفات دیرین زندگی انسان است و شراب دشمن دیرینه و پر کینه بشر است. شرابخواری تنها در دین مقدس اسلام ممنوع نشده است، بلکه انبیای الهی و ادیان آسمانی و اندیشمندان تاریخ بشر و دانشوران علوم تجربی همه با این محصول شیطانی مخالف بوده و نسبت به آن هشدار داده اند.

اسلام برای پیش گیری از شراب خواری و رواج این ماده پلید و عمل شیطانی دو شیوه کاربردی یا دو گونه مبارزه را در برنامه خودش قرار داده است، شیوه اول عبارت است از مبارزه منفی با شراب خوار یا تحریم شراب خوار، که بر اساس این شیوه، مؤمنین موظفند ارتباطات اجتماعی با شراب خوار را قطع نمایند، و از پیوند با او خودداری نمایند. در روایات دیگر از عیادت شراب خوار و حضور در تشییع جنازه اش نهی شده، که همه این روایات ها تأکید در تحریم و مبارزه منفی با شراب خوار می باشد، تا این که او را ممانعت از شراب خواری نمایند، اگر چه گاهی ممکن است تصور شود که تحریم شراب خوار موجب وقاحت او می شود، ولی باید بدانیم که تحریم، در صورتی است که شراب خوار، در جامعه، تنها می شود که جز ترک عمل شیطانی و فعل پلید، از انزوا نجات پیدا نخواهد کرد، اما اگر در جامعه، به اندازه ای معصیت کار وجود داشته باشد که تحریم شراب خوار سبب آن شود که باند فساد بوجود آید، مسلماً تحریم، راه مبارزه نخواهد بود و باید با کیفر و مؤاخذة از شراب خواری ممانعت بعمل آید، لذا در دستورات اسلام علاوه بر تحریم شراب خوار، کیفر و مجازات را نیز از اسباب بازدارنده از شراب خواری دانسته و برای شراب خوار کیفر مشخص نموده است.

حرمت شرعی شرب خمر سبب جرم‌انگاری این عمل در قوانین جزایی ما شده است. ریشه این ممنوعیت نیز به این موضوع مربوط می‌شود که مسکرات بر هوشیاری و عقل انسان اثر می‌گذارد و انسان را در وضعیتی قرار می‌دهد که وقوع هر جرمی از وی محتمل است.

در مقام مقایسه میان احکام مربوط به به مستی در قوانین دوره قبل و بعد از انقلاب می توان گفت که قانون گذار دوره قبل از انقلاب احکام و مقررات سختگیرانه تری را وضع کرده بود؛ به این دلیل که قانونگذار قبل از انقلاب در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۵۲، اساساً مستی را مانع مسئولیت کیفری نمی دانست ولی قانون گذار بعد از انقلاب تا اندازه ای و با رعایت شرایطی، مستی را مانع مسئولیت کیفری می داند. تفاوت اصلی قانون سال ۹۲ نسبت به قوانین جزایی پیشین در بعد از انقلاب، رجعت حکم قانون سال ۹۲ به احکام

مقرر در قانون مجازات عمومی سال ۵۲ از جهت تسری حکم مستی بر اثر شرب خمر به عدم تعادل روانی و بی ارادگی ناشی از مصرف مواد مخدر و روانگردان و نظایر آنهاست.

البته نباید مفید بودن این نظرات را انکار کرد و استفاده از آنها را در بهتر کردن اوضاع اجتماعی نادیده انگاشت. در زیر به نکاتی چند در مورد آنچه گذشت و ارایه پیشنهاد پرداخته خواهد شد.

۱- مشخص است که تا جامعه باقی باشد عده‌ای قربانی خواهد شد و آنها مجرمانی هستند که تحت تأثیر شرایط محیطی و تربیتی و . . . حالتی برایشان پدید آمده که می‌توان گفت به نوعی مجبور به ارتکاب جرم هستند. پیشگیری از پیدایش چنین حالتی مطلوب و موضوع جرم شناسی است. در هر حال با ارائه آموزش‌های مختلف برای آگاهی مردم از آثار اعمال ارتكابی، می‌توان امید بسیار فراوانی به کاهش این موارد داشت.

مثلاً آنچه در ذهن مردم راجع به الکل و مواد مخدر وجود دارد اطلاعاتی راجع به وصف خمر بودن یا مضر بودن مواد مخدر از لحاظ اقتصادی است و نهایتاً کسانی که آن را مصرف نکنند استدلالشان حرام بودن یا جرم بودن آن است. در حالی که اکثریت قریب به اتفاق مردم از ضررهای جسمی و روانی این دو بی‌خبرند.

۲- جدای از جنبه‌های عملی در حیطه قانون گذاری می‌توان بین کسانی که از تأثیر مسکر مطلع هستند با کسانی که بی‌خبر هستند تفکیک قائل شد و نیز بین مست اتفاقی و کسانی که معتاد به مواد مخدر و الکل هستند تفاوت در نظر گرفت.

۱- بیان مسأله:

مصرف مشروبات الکلی و عوارض وسیع جبران ناپذیر آن، از مهم ترین آسیب های اجتماعی است که در نهایت چیزی جز پشیمانی و تباهی نخواهد داشت.

متأسفانه مصرف مشروبات الکلی به عنوان انگیزه مثبت برای لذت، نشاط، تفریح، تکمیل اوقات فراغت، رهایی از تنهایی و فرار از مشکلات بین برخی جوامع از جمله جامعه ما رواج یافته است. و همچنین زوال عقل در نتیجه شرب خمر پیامدهای زیان باری را دارد که اعتماد بنفس کاذب و کاهش قدرت تعقل، باعث بروز تصمیمات اشتباه و زیان بار (وقوع جرم) می‌شود، فلذا شرب خمر علاوه بر اینکه جرم است می‌تواند زمینه وقوع جرایم دیگر را نیز فراهم آورد.

ارتباط مصرف مشروبات الکلی و رفتارهای پر خطر و انحرافات و ناهنجاری های رفتاری و اختلالات روانی، خشونت، پرخاشگری، و بالاخره جرم و جنایت و بزهکاری و اهمیت توجه و تعمق در این مسئله سبب گردید که در این مطالعه تاثیر مصرف مواد مخدر شایع و مشروبات الکلی بر وضعیت روحی و روانی افراد و در نهایت بر اراده این اشخاص را مورد بررسی قرار دهیم و از آنجا که تاثیر اراده در واقعیت جرم در حقیقت انعکاس شخصیت انسان در عمل مجرمانه می باشد و به دلیل اینکه اراده به عنوان رکن اصلی عنصر معنوی جرم هم در جرایم صوری و هم در جرایم مادی وجود دارد و از اهمیت زیادی برخوردار است و حقوق جزا نیز مبتنی بر فرضیه وجود اراده ی آزاد می باشد، تقصیر جزایی منوط و موکول بدین است که عمل ارتكابی از یک اراده آزاد ناشی شده باشد. اراده ارتكاب فعل مجرمانه نیز در کلیه جرایم اعم از عمدی و غیر عمدی وجود دارد که قانون گذار فقط اعمال ارادی را کیفر می دهد و مسئولیت کیفری را متوجه اشخاص با اراده آزاد می سازد. حال ما در این پایان نامه بر آنیم که به بررسی دقیق اثراتی که مصرف مشروبات الکلی بر روی وقوع جرایمی مانند سرقت، فحشا، قتل و غیره می گذارد، با نگاهی به قانون مجازات اسلامی و فقه امامیه بپردازیم و سعی کنیم تا با بررسی قوانین جزایی کشور و منابع فقهی موجود در این خصوص، تاثیر مصرف مشروبات الکلی را بر اراده و در نهایت مسئولیت کیفری مصرف کننده مشروبات الکلی در وقوع جرم را مورد بررسی قرار دهیم.

۲- سوالات پژوهش

۱- نقش مشروبات الکلی در ارتكاب جرم چیست؟

۲- مسئولیت کیفری افرادی که با مصرف مشروبات الکلی مرتکب جرم می شوند چگونه است؟

۳- فرضیه های پژوهش

۱- مصرف مشروبات الکلی و تأثیری که بر روی اراده فرد می گذارد زمینه وقوع جرم را فراهم می کند.

۲- مسئولیت کیفری آن با توجه به شرایط خاص جرم باید در نظر گرفته شود.

۴- پیشینه پژوهش:

در برخی کتب و پایان نامه ها و مقالات به تأثیرات مشروبات الکلی به وقوع جرم اشاره شده است:

۱. ((قابل توجه است که فعل تظاهر کردن به مصرف الکل باید در بین مسلمانانی صورت پذیرد که مصرف الکل و مستی ناشی از آن را حرام می دارند، بدین معنا که مصرف الکل توسط غیر مسلمان در جمع مسلمانانی که آن ها نیز در حال مصرف الکل می باشند نمی تواند برای تحقق فعل " تظاهر کردن " کافی به مقصود باشد، زیرا مبانی چنین حکمی حفظ حرمت باورهای مسلمانان و جلوگیری از شکسته شدن هنجارهای جامعه اسلامی و دفاع از ارزش های اسلامی است.)) (ابوالحسن شاکری و محمد حسن مالدار، ۱۳۹۶)

۲. ((مصرف مشروبات الکلی موضوعی است که تاریخی چند هزارساله در جهان به خود اختصاص داده است. اما امروزه گرایش به مصرف الکل در بین جوانان معضلی است که بسیاری از کشورها دست به گریبان آن هستند.)) (بررسی علل گرایش جوانان به مشروبات الکلی و راه های پیشگیری از آن. سیروس رمضان زاده گنجارودی: ۱۳۹۶)

۳. ((امروزه الکل یکی از شایع ترین مواد سوء مصرف در دنیا است و در عین حال یکی از دلایل مهم بزهکاری، ارتکاب جرم و خشونت است. مشروبات الکلی عامل اصلی بسیاری از جرائم از قبیل سرقت، قتل و غیره می باشد.)) (مصرف مسکر در حقوق کیفری ایران. فاطمه زهرا صادقی: ۱۳۹۶)

۵- اهداف پژوهش:

بررسی رابطه بین مصرف مشروبات الکلی و وقوع جرم در جامعه ایرانی

فصل اول

کلیات

مبحث نخست: تبیین مفهوم مستی و انواع آن

گفتار نخست: بررسی مفهوم مستی

از مستی تعاریف گوناگونی بیان شده است که برخی از آنها اشاره می‌شود:

« مستی حالتی است غیرعادی و ناپایدار معمولاً به همراه سرخوشی و شادمانی که در عقل و در دستگاه عصبی تاثیر می‌گذارد به گونه‌ای که قدرت تفکر و تشخیص و آگاهی و ادراک و اراده فرد را تحت تاثیر قرار داده و ارتباط وی را با واقعیت خارجی قطع یا کم رنگ می‌سازد.

در این وضعیت با وجود ضعف اراده و سستی در اعضای بدن، فرد احساس نیرو و قدرت کرده و نظم کلام وی دچار اختلال می‌گردد و سیر پنهانش هویدا می‌گردد». (ابوزهره، بی تا، ۴۴۳)

در تعریف دیگری نیز عنوان شده است: «مستی عبارت است از سست و بی‌حس شدن نسبی و یا کامل عصب‌ها، نقاط و کانون‌های مهم و حساس مغز و دستگاه عصبی» (آذربادگان، ۱۳۸۱: ۲۲۲)

گفتار دوم: ضابطه پزشکی و حقوقی برای امکان سنجی مستی

بند اول: ضابطه پزشکی

بعضی از متخصصان پزشکی در این باره می‌گویند: «قبل از اختراع وسایل دقیق علمی، برای تعیین درجه مستی به وسایل گوناگون متوسل می‌شدند که نتایج حاصل نمی‌توانست خالی از اشتباه باشد؛ مثلاً افراد مشکوک را وادار می‌کردند که روی خط مستقیمی راه بروند یا انگشت خود را چندین بار پی‌پی به بینی برسانند. هم‌چنین به بوی دهان افراد نمی‌توان اعتماد کرد و از روی تظاهرات شخص که مبین احتمال میزان مستی است نمی‌توان حکم قطعی به مستی صادر کرد، چون مقداری الکل از راه تنفس دفع می‌شود و نتیجه این امر آن است که از دهان فرد مست بوی الکل می‌آید، بنابراین می‌توان مقدار آن را در حجم معینی از هوایی که از ریه‌ها خارج می‌شود تعیین نمود؛ از این روی دستگاه مستی سنج تنفسی در خدمت پلیس راهنمایی بسیاری از کشورها در آمده است» (حکمت، ۱۳۷۱: ۲۱۵)

در ارتباط با همین زمینه برخی از پزشکان درباره میزان الکل در خون می‌نویسند: «به طور کلی عدم تعادل عصبی با ۰/۷۵ گرم در یک کیلوگرم خون یا ۱/۵ سانتی متر مکعب در لیتر شروع می‌شود. اگر میزان الکل خون به ۲ سانتی متر مکعب در لیتر یا ۱/۵ گرم در هر کیلوگرم خون رسد، مستی شروع می‌شود و پس از آن مستی کامل تا وقتی برقرار است که بیشینه الکل در خون سه گرم در کیلوگرم یا ۴ سانتی متر مکعب در لیتر باشد.

اگر غلظت الکل از این حد بالاتر رود، حالت انجماد پدید می آید و با غلظتی برابر با ۳/۷ گرم در کیلوگرم یا ۵ سانتی متر مکعب در لیتر، احتمال مرگ به شدت بالا می رود که اگر میزان الکل به چهار و نیم گرم و کیلو یا شش سانتی متر مکعب در خون برسد، مرگ قطعی است» (گودرزی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۵۴۱)

بند دوم: ضابطه حقوقی

برخی از حقوقدانان در این زمینه ابراز داشته اند: برای تشخیص حالت مستی در فرد، دو ملاک مهم ابراز شده است که یکی بر وجود میزان مشخص الکل در خون شخص از طریق تست های مختلف متکی است. در این شیوه تشخیص مثلاً وجود درصد معینی الکل در خون، بازدم، ادرار یا بزاق دهان شخص، حاکی از مست بودن او دارد، صرف نظر از این که عارضه ویژه مستی، یعنی سلب اراده، ایجاد شده یا نشده باشد (ضابطه عینی). این ضابطه در بسیاری از کشورها برای مجازات رانندگی در حالت مستی به کار برده می شود. بدیهی است که معیار عینی، ملاک و ضابطه دقیقی نبوده و صرفاً افراد مذکور را می توان حکماً و نه واقعاً، مست دانست و احکام مست را بر آن ها مترتب نمود. در افراد مبتلا به صرع یا کسانی که عادت به مصرف الکل نداشته و یا بدن آن ها تحمل الکل را ندارد، میزان اندکی الکل موجب بروز عوارض جدی و سلب اراده می گردد، حال آن که میزان بیشتری از الکل در یک فرد دیگر ممکن است هیچ گونه عارضه ای را به دنبال نداشته باشد.

ضابطه دیگر، ضابطه شخصی است؛ یعنی این که وجود این حالت و وضعیت خاص را صرف نظر از کمی یا زیادی میزان الکل در خون، بررسی می کنیم و در هر مورد وجود این حالت را احراز کنیم. علی رغم این که قانونگذار با سکوت خود معنی مستی را به عرف احاله داده است، ولی مشخص کننده عرف در این امر کارشناس می باشد و برای تشخیص مستی باید به کارشناس (پزشکی قانونی) مراجعه شود. این شیوه مستلزم معاینه و مصاحبه توسط پزشکی قانونی و بررسی کلیه شرایط و اوضاع و احوال و فاکتورهای دخیل در قضیه همانند سن، جنس، سابقه مصرف، قدرت تحمل، عادت و حتی بیماری های فرد می باشد و ضابطه ای است که صرف نظر از تخصصی و وقت گیر بودن به جهت دقت، در نتیجه با موازین عدالت و منظور قانونگذار تناسب و سنخیت بیشتری دارد. در مقابل ضابطه عینی، ضابطه ای سهل الوصول است که با یک دستگاه ساده الکل سنج و حتی توسط یک فرد غیر متخصص قابل اندازه گیری بوده در عین حال نتایج آن متفاوت و چه بسا نادرست و گمراه کننده است.

در ضابطه شخصی، میزان الکل موجود در خون، صرفاً یکی از پارامترهای تشخیص و احراز حالت مستی در فرد به شمار می رود و در کنار سایر عوامل مؤثر، مورد بررسی قرار می گیرد و در نتیجه ممکن است فردی با وجود درصد معینی الکل در خون که نوعاً سبب ایجاد مستی می گردد، مست تلقی نگردد. (جزایری، ۱۳۸۷: ۲۰)

گفتار سوم: گونه شناسی مستی

مطابق یک تقسیم بندی، مستی به سه دسته مستی تعمودی، مستی اتفاقی و مستی مزمن تقسیم می شود. مستی تعمودی مربوط به هنگامی است که بزهکار عمداً مسکر را مصرف کرده باشد تا بتواند جرم را با اطمینان بیشتری مرتکب شود. ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی در مورد مستی تعمودی است که بزهکار با قصد پیش بینی بر ارتکاب جرم یا علم به چگونگی تاثیر مصرف مسکر مرتکب جرم می شود. بر اساس این ماده، مستی و بی ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روانگردان و نظایر آنها، مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به طور کلی مسلوب الاختیار بوده است. اما چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می شود.

اگر کسی اتفاقاً مست شده باشد، به این معنی که از تاثیری که مسکر بر روان و اراده وی می گذارد، ناآگاه بوده و اراده از او کاملاً سلب شده باشد، برای جرایمی که در حال مستی مرتکب شده باشد، مسئول شناخته نمی شود. اما اگر عادتاً به مصرف مسکر مبادرت کند، یعنی به تجربه تاثیر مسکر را بر روان خود دریافته باشد و در حالی که اختیار از کف داده اتفاقاً مرتکب جرم شود، بعید به نظر می رسد که بتوان از او سلب مسئولیت کرد و وی را مسئول شناخت.

در مورد مستی مزمن نیز می توان گفت که مصرف بیش از حد الکل در زمانی طولانی ممکن است دگرگونی های روانی و جسمانی جدی و پیچیده ای در انسان ایجاد کند. مهمترین آشفتگی های روانی می بارگی یا همان «الکلسم» حالت هذیان گویی است. کاهش روزافزون حافظه، ضعف تدریجی دقت، اختلال قوای عالی روانی مانند اختلال قضاوت و استدلال، تغییرات حالت روانی در مرحله پیشرفته وابستگی به الکل است.

برخی از نویسندگان تقسیم بندی دیگری ارائه داده اند:

الف) مستی از طریق مباح: یعنی شخص در واقع نمی خواهد مست شود؛ اما در اثر اجبار یا اکراه یا اضطراب یا اشتباه اقدام به مصرف مسکر می نماید. در این حالات شخص مست را که اصطلاحاً مست غیرمتعدی گویند. منظور مستی ناشی از عوارض سماوی و علل و اسبابی است که بی اختیار بر شخصی عارض گردد؛ مانند جنون، مرض و مرگ. در مقابل عوارض مکتسبه آنهایی هستند که با اختیار خود شخص یا دیگری بر وی عارض شود مانند سکر و اکراه. در این حالت فرد را گناهکار نمی دانند و بر اقوال و افعال او در زمان مستی اثری مترتب نمی کنند. در این حالت مستی بر اهلیت و جوب تاثیری ندارد؛ اما در اهلیت ادا یا تصرف تاثیر می گذارد؛ زیرا اهلیت ادا با قوه عقل و تمییز ثابت می شود و مست فاقد این هاست.

پس در نتیجه بر اقوال و افعال او اثری بار نمی شود، اما شخص در هر صورت ملزم به ضمان متلفات است.

ب) مستی به طریق محظور که از آن تعبیر به مستی بدون عذر شرعی و یا مستی به سبب حرام یا مست متعدی به سکر نیز نام برده می شود. در این حالت چون شخص عملاً خود را مست کرده و در حالت اکراه یا اضطراب هم نبوده است او را در حکم انسان عاقل مختار می دانند و بر اقوال و افعال او آثار شرعی را جاری می سازند (زیدان، 1422 ق: 129)

تقسیم بندی دیگر تقسیم بندی مستی به ارادی و غیرارادی است.

مستی، نتیجه و اثر شرب مسکر است. بدین توضیح که صرفاً متعاقب مصرف یا شرب مایعات سکرآور ایجاد می شود. البته عارض شدن این حالت متعاقب شرب خمر، یقینی و قطعی نبوده و با توجه به میزان مصرف، عادت مصرف کننده، غلظت مشروب، جنس، سن، قدرت تحمل شخص و غیره، از فردی به فرد دیگر متفاوت بوده و در نوسان است.

کسی که مشروب (تخمیری یا تقطیری) را مصرف نموده است، ضرورتاً مست بودن را اراده نکرده و در پی حصول این نتیجه نیست. ممکن است فردی به قصد مستی شرب خمر نماید لیکن این حالت بر وی عارض نگردد یا محتمل است فردی شرب خمر نماید، ولی نخواهد مست گردد.

طبق قاعده ای در کامن لا، مستی ارادی را هرگز نمی توان به عنوان دفاعی برای ارتکاب جرم در نظر گرفت. این قاعده، مستی ارادی را از مستی غیرارادی مجزا کرده و معتقد است، در صورتی که مستی غیرارادی باعث جنون موقتی شود، به عنوان دفاعی برای مسؤولیت جزایی محسوب می شود.

انواع مستی غیر ارادی عبارتند از:

الف. مستی ای که تحت فشار و زور ایجاد شده است (مستی اجباری): به مستی ای گفته می شود که به دلیل اعمال زور یا فشار شدید (اکراه یا اجبار) و به طور غیرارادی رخ می دهد.

ب. مستی آسیب شناختی: در این نوع مستی، فرد از حساسیت خویش نسبت به میزان خاص از مواد مست کننده (مسکر)، آگاهی ندارد.

ج. مستی ای که ناشی از یک خطا یا اشتباه ساده باشد: ممکن است شخص دیگری متهم را اغفال کرده و باعث مصرف دارو یا الکل شود.

د. مستی غیرمنتظره که ناشی از خوردن داروهای تجویز شده پزشک باشد: چنانچه داروی تجویز شده بنابر توصیه پزشک معالج و بدون آگاهی مرتکب از اثرات سکرآور آن باشد، مستی غیرارادی خواهد بود.

به نظر می رسد مهمترین موضوعی که می تواند مبنای تمایز بین فروض مختلف بوده و مبنای تقسیم و موجب اختلاف حکم گردد، این مطلب است که؛ اول - آیا کسی که مشروب مصرف نموده، مرتکب فعل حرام، جرم یا معصیتی گردیده است یا خیر؟ آیا مجاز بودن یا ممنوعیت مصرف مسکر، برای فرد تأثیری در تفاوت احکام، آثار و عواقب حاصل از آن دارد یا خیر؟

برای نمونه، شرب خمر برای غیر مسلمان فاقد منع قانونی بوده و صرفاً تظاهر و تجاهر به آن قابل مؤاخذه است. مضطر یا مجبور به سبب شرب خمر اضطراری و اجباری، بازخواست نمی شوند. فردی که به اشتباه، خمر را نوشیدنی حلال تصور کرده و نوشیده است را فاقد مسئولیت می دانیم. آیا مباح یا ممنوع بودن سبب مستی (شرب مسکر)، می تواند معیار و ضابطه صحیحی برای تفکیک احکام مربوط به نتایج و پیامدهای شرب خمر قرار گیرد؟

دوم - آیا می توان صرفنظر از حرمت یا جواز شرعی شرب خمر برای مرتکب، ملاک و ضابطه تمایز احکام را خواست یا عدم خواست مستی (نتیجه و پیامد شرب مسکر) دانست؟ شارب خمر ممکن است نتیجه فعل خود یعنی مستی را اراده کرده یا نکرده باشد. مثلاً غیر مسلمان ممکن است مشروب نوشیده باشد (عمل مباح) و در عین حال مست شدن را خواسته یا نخواستہ باشد، از این رو پذیرش هر یک از دو معیار الزاماً نتیجه واحد در پی نخواهد داشت.

سوم - فردی که مشروب نوشیده (اعم از این که این کار برایش حرمت داشته یا مباح باشد) و قصد مست شدن را نیز داشته، ممکن است خود را برای ارتکاب جرم مست نموده یا ننموده باشد.

چهارم - در فرضی که قصد ارتکاب جرم نداشته نیز ممکن است رعایت احتیاطات لازم را ننموده باشد. آیا این میزان از بی احتیاطی و عدم رعایت حزم را می توان ملاک تفاوت و تمایز احکام مستی قرار داد؟ موضوعات فوق مباحثی اساسی بوده و اختلاف احکام و مقررات مربوط به مستی را در فروض مختلف موجه می سازد. (جزایری، ۱۳۸۷: ۱۸)

سُیُوطی در الاشباه والنظائر نقل کرده است که مستی سه درجه دارد:

اول حالت سرخوشی که عقل در این حالت زایل نمی شود و خلافی در این نیست که به دلیل بقای عقل در این حالت، طلاق و سایر تصرفات وی نافذ است.

دوم نهایت مستی یا سیاه مست که شخص نه حرفی می زند و نه حرکتی از وی سر می زند. در این حالت هیچ کدام از تصرفات وی نافذ نیست، زیرا وی فاقد قوه عقل است.

سوم حالت متوسط بین این دو، که درین حالت احوال شخص دچار اختلال می گردد و اقوال و افعال وی دارای نظم و انسجام نیست. با این وصف قوه تمییز و فهم باقی است (سُیُوطی، ۲۰۰۳: ۲۰۹).

گفتار چهارم: الحاق مواد سکرآور غیر از مشروبات الکلی به مستی

مستی حالتی است که ممکن است به واسطه استعمال هر ماده ای، خواه مایع باشد و خواه جامد، خواه گیاهی و طبیعی باشد و خواه شیمیایی، ایجاد شود. بنابراین چه دلیلی دارد که موادی مانند مخدرات، قرصهای روان گردان و مرقد را در احکام مربوط به مسئولیت کیفری فرد مست داخل نکرد و تأثیر این مواد در مسئولیت را ملحق به مشروبات الکلی ننمود. علاوه بر این، آنچه از کلام فقها استفاده می شود، نیز همین مطلب را تایید می کند، هرچند گروهی دیگر از ایشان مخالف این الحاق هستند.

بند اول: موافقان الحاق

از جمله کسانی که قائل به الحاق بنج، مرقد، مخدرات و...، به خمر می باشند، شیخ طوسی، امام خمینی، آیت الله مکارم و غالب علمای اهل سنت مانند ابوالبرکات مالکی مذهب، وهبه زحیلی و عبدالرحمن جزیری می باشند. امام خمینی در این مورد همه نوع ماده سکرآوری را خواه جامد باشد، خواه مایع، موضوعاً یا حکماً ملحق به خمر می داند و می گوید: هر مسکری چه جامد باشد و چه مایع، موضوعاً یا حکماً ملحق به خمر است.

فقیه بزرگ شیخ طوسی جنون در نتیجه موادی مانند ادویه مبنجه را ملحق به مستی کرده و می گوید کسی که به دلیل غیر معذور مجنون شود، مانند اینکه ادویه مبنجه مصرف نماید و عقلش زایل شود، حکم مست را